

## نقش برخی از ویژگی های معلمان ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت در استان کردستان

فردین عبداللهی<sup>۱</sup>

دکتر علی شریعتمداری<sup>۲</sup>

دکتر عزت الله نادری<sup>۳</sup>

### چکیده:

هدف این پژوهش بررسی میزان آگاهی معلمان دوره‌ی ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت به منظور ارائه‌ی الگویی مناسب جهت ارتقای سطح آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت در استان کردستان می‌باشد.

روش انجام پژوهش روش زمینه‌ای بوده و جامعه آماری شامل کلیه معلمان شاغل به تدریس در مدارس ابتدایی استان کردستان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ می‌باشد. نمونه آماری سیصد و هفتاد نفر از معلمان است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزار محقق ساخته شامل پرسشنامه (حاوی چهار سؤال چهار گزینه‌ای) استفاده شده است همچنین در این پرسشنامه از متغیرهایی مانند سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و سابقه تدریس استفاده شده است.

عمده‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که به طور کلی میزان آگاهی معلمان ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت پایین‌تر از متوسط بوده و بین میانگین نمره‌ها بر

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

<sup>۲</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

<sup>۳</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

نقش برفی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...  
حسب متغیرهای سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و سابقه تدریس تفاوت معناداری  
وجود دارد.

## کلید واژه‌ها:

اصول تعلیم و تربیت، معلمان دوره ابتدایی، سطح آگاهی معلمان، الگوی ارتقای  
سطح آگاهی.

## مقدمه:

در چند دهه‌ی اخیر پیشرفت‌ها و موفقیت‌های علمی قابل توجهی در پرتو  
سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت<sup>۱</sup> و توجه فزاینده به اهمیت و جایگاه آن  
صورت گرفته است. و از این طریق بسیاری از کشورها از مرحله‌ی توسعه  
نیافتگی عبور کرده و استانداردهای زندگی را به طور مداوم افزایش داده‌اند. از  
این رو توقع از آموزش و پرورش به عنوان یک دستگاه بستر ساز فرهنگ و  
دانش آفرین بیش از پیش توسعه یافته است. آموزش و پرورش به عنوان یک  
نهاد تربیتی یکی از ارکان مهم توسعه و پیشرفت جوامع بشری است و در  
آموزش و پرورش تغییر و تحول علمی و نوآوری مطلوب تحقق نمی‌یابد مگر  
این که تغییرات مناسب در تفکر و شیوه‌های کاری معلمان به عنوان کارکنان و  
کارشناسان یادگیری اثربخش، به وجود آید. اگر امروز از دهکده‌ی واحد  
جهانی سخن به میان می‌آید، اگر جهانی شدن و بومی ماندن یک پدیده‌ی  
استراتژیک اجتماعی تلقی می‌شود و اگر تعادل بین گسترش فوق‌العاده دانش و  
اطلاعات و افزایش ظرفیت جذب انسان‌ها به عنوان یک هدف اساسی انسانی  
جستجو می‌شود، همه و همه به کیفیت کارکردهای تعلیم و تربیت و چگونگی  
در هم آمیزی عناصر آن برای دستیابی به مقاصد برمی‌گردد (مه‌دی‌ان، ۱۳۸۵).

<sup>1</sup> education

اما از میان عناصر گوناگون تربیت که امکان سنجی دستیابی به اهداف آن را فراهم می‌سازد کدام یک از عناصر تاثیرگذارتر است؟ اگر در یک مجموعه مفروض عناصر یک نظام تربیتی را مشتمل بر اهداف، محتواها، برنامه‌ها، روش‌ها، مراحل و مراتب اصول و مبانی قوانین و مقررات، فضا، تجهیزات مدیریت، ساختار افراد و کارگزاران تربیت تصور کنیم آیا می‌توان اولویت و ارجحیت خاصی برای آنان متصور شد؟ قدر مسلم پاسخ به این سؤال اگر منفی نباشد مستلزم دلایل و احتجاجات فلسفی و سازمانی خواهد بود. (شکوهی، ۱۳۸۱).

با این حال توسل به هر دلیل و برهانی برای ارتقای جایگاه و اهمیت عناصر یاد شده در مجموعه‌ی موجود حداقل یک پیش شرط را به همراه دارد و آن پذیرش چارچوب‌های فکری و مفهومی برای موجودیت هر یک از عناصر و نیز چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر می‌باشد. قبول این چارچوب‌ها نوعی حضور و فعالیت را به قید چیزی ملتزم می‌نماید. چنان که هر یک از عناصر مزبور در صورتی قابلیت ظهور و بروز می‌نماید و می‌تواند تاثیر گذار باشد که به چارچوب‌ها و الزاماتی معین مقید باشد. به عبارت دیگر این موارد در صورتی عضویت مجموعه نظام تربیتی را خواهند پذیرفت که کلیه‌ی شرایط و ویژگی‌های لازم را داشته و بایدها و نبایدهای مربوطه را رعایت نموده باشند. به عنوان مثال هدف های تربیتی در صورتی مؤثر و کارآمد خواهند بود که بر مبنای اصول هدف سازی و هدف گذاری طراحی شده باشند. هدف بیان وضعیت مطلوبی است که باید در شاگردان به وجود آید. در واقع هدف آموزشی شرحی از فراورده آن است. چنان که هدف نتیجه آموزش را وصف می‌کند<sup>۱</sup> (هاچینز، ۲۰۰۲). محتویات و برنامه‌های آموزشی و درسی نیز در

<sup>1</sup> Hutchins

نقش برفی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...

صورتی واجد بهره‌دهی خواهند بود که بر اساس نیازهای واقعی انتخاب شده و بر مبنای اصول علمی تعیین و طراحی شده باشند، همچنین روش‌ها و شیوه‌های آموزش مبتنی بر اصول روان‌شناسی و تجربیات و میزان‌های صحیح تربیتی تعیین و پیشنهاد شده باشند. کارین<sup>۱</sup> می‌گوید در عصری که اطلاعات همیشه و همه وقت در دسترس دانش‌آموزان است، مفهوم یادگیری تغییر یافته است. و آنچه باید در محیط آموزشی مورد توجه و تأکید قرار گیرد معلم آگاه به اصول و مبانی تعلیم و تربیت است. (کارین، ۲۰۰۳).

خلاصه این که هر یک از عناصر باید در ساختار مفهومی و کارکردی خود نوعی هنجار مقبول را پذیرفته و برای اثر بخشی در مجموعه نظام تربیتی آنها را رعایت کرده باشند.

با توجه به نکات بالا چنین به نظر می‌رسد که جایگاه اصول تربیت اگر نگوییم مرتبت بالاتری نسبت به سایر عناصر دارد اما به لحاظ درهم تنیدگی با دیگر عناصر از جایگاه ممتازی برخوردار خواهد بود (مهدیان، ۱۳۸۵).

اصول تعلیم و تربیت<sup>۲</sup> مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان معلمان مدیران اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روانشناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است (شریعتمداری، ۱۳۸۶).

اساساً امکان تربیت آدمی در گرو اصول شناخته شده است که آشنایی و رعایت آنها توسط معلمان، موفقیت نظام تربیتی را تضمین می‌کند، اصولی که راهنمای کلیه اعمال و فعالیت‌های معلمان قرار گرفته، علم و هنر تکنیک‌های

<sup>1</sup> Carin

<sup>2</sup> educational principles

تربیت را مهیا ساخته و همه‌ی جوانب گوناگون رشد و تعالی انسانی را به هر سمت و سویی سوق می‌دهد.

بنابراین اگر معلم از اصول تعلیم و تربیت شناخت دقیق و علمی داشته باشد، قویتر و دقیقتر می‌تواند در ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری فعالیت کند. با توجه به این مطالب می‌توان اذعان داشت که اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی، معلم است. اوست که می‌تواند حتی نقص کتاب‌های درسی و امکانات آموزشی را جبران کند یا بر عکس بهترین موقعیت را با عدم توانایی خود به محیطی غیرفعال و غیر جذاب تبدیل کند اطلاعات معلم و در واقع کل شخصیت معلم در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تاثیر می‌گذارد. (شعبانی، ۱۳۸۵).

و می‌توان گفت که اطلاعات و شخصیت معلم تحت تاثیر عواملی همچون مدرک، رشته تحصیلی و تجربه قرار می‌گیرد به همین دلیل بررسی ویژگی‌های معلمان می‌تواند اطلاعات بسیار گران‌بهایی در مورد موضوع مورد تحقیق به پژوهشگر ارائه دهد. و اما نکته‌ای دیگر که در این پژوهش قابل ذکر است این است که نظام آموزش و پرورش ایران یک نظام متمرکز می‌باشد و تمامی اهداف، برنامه‌ها، محتوا و... از مرکز به سایر استان‌ها برای اجرا ارسال می‌شود اما در مقابل تربیت بسیاری از معلمان در خود استان و بر اساس امکانات و عوامل انسانی خود استان اجرا می‌شود بنابراین شاید تفاوت‌های بسیاری از لحاظ اطلاعات و سطح آگاهی‌های این معلمان با معلمان مرکز و سایر استان‌ها وجود داشته باشد که اهمیت اجرای این پژوهش را در استان دو چندان می‌کند.

بنابراین این پژوهش سعی دارد به این مساله بپردازد و روشن سازد که آیا معلمان ابتدایی استان کردستان از اصول تعلیم و تربیت آگاهی دارند؟ و

نقش برفی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...

کدام یک از متغیرها بر این میزان آگاهی تاثیر بیشتری دارند؟ متغیرهایی مانند سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و سابقه تدریس.

نتایج پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت معلمان در زمینه شناخت اصول و مبانی تعلیم و تربیت، بهره مندی از دانش و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز در سطح مطلوبی قرار ندارند.

شریعتمداری (۱۳۳۸) در پژوهش خود نشان داده است که معلمان مدارس ابتدایی ایران، در زمینه اطلاعات علمی رشته‌های علوم تربیتی، صلاحیت و مهارت‌های معلمی در سطح مطلوبی قرار ندارند ایشان ضمن بررسی عوامل موثر بر تعلیم و تربیت در جامعه و مسائل اساسی تعلیم و تربیت، همچنین بررسی زمینه‌های فلسفی و دینی و اجتماعی مردم ایران پیشنهادی ارزنده‌ای در زمینه اهداف، برنامه‌ها و روش‌های اساسی تعلیم و تربیت در مقاطع تحصیلی به ویژه در دوره ابتدایی و یک برنامه جامع تربیت معلم ارائه نموده است.

عباس‌زاده (۱۳۷۹) دریافت که اکثریت معلمان در مورد اهداف آموزشی اطلاع چندانی ندارند در نتیجه تلاش‌های لازم در جهت تحقق اهداف آموزشی صورت نمی‌گیرد و بیش از ۹۵٪ معلمان با شیوه‌های علمی ارزشیابی آموزشی آشنایی ندارند و از نتایج کاربرد آنها در تدریس بی‌اطلاع هستند. همچنین تعداد زیادی از معلمان مهارت‌های لازم برای بکارگیری وسایل و تکنولوژی آموزشی را ندارند و آموزش‌های لازم برای ساخت و کاربرد وسایل و تکنولوژی آموزشی را ندیده‌اند.

پوربهی (۱۳۷۳) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که: معلمان پایه چهارم در رابطه با مفاهیم علمی دروس پایه چهارم از آگاهی کمی برخوردار بوده و شناخت آنان از روش‌های مختلف تدریس نیز در حد مطلوبی نیست.

همچنین اکثریت قاطع معلمان نیازمند برنامه ریزی و آموزش دوره های خاص آشنایی با مفاهیم علمی برنامه درسی و روشهای تدریس می باشند.

سلیمانیان (۱۳۷۶) در پژوهش خود دریافت که معلمان و مدیران ابتدایی نسبت به اهداف دوره شناخت و آگاهی لازم را نداشته ، نسبت به هدفهای و دوره ابتدایی حساسیت نشان نداده و هدفهای دوره را بطور کامل تعقیب نمی کنند و فعالیتهای آنان آگاهانه در مسیر تحقق هدفها قرار ندارد.

نجاری اصفهانی (۱۳۷۹) نیز نشان داد که به طور کلی معلمان ابتدایی درباره اصول و روشهای علمی ارزشیابی آموزشی از آگاهی کمی برخوردار بوده ، از اهداف آموزشی دوره راهنمایی شناخت کافی نداشته و مهارتهای لازم برای ارزشیابی در سطوح بالای حوزه شناختی را ندارند. و همچنین دریافت که بین میزان آگاهی معلمان در ارتباط با مدرک تحصیلی تفاوت معنی دار است ، یعنی معلمان با مدرک تحصیلی بالاتر اطلاعات بیشتری در زمینه طرح سوالات ارزشیابی داشته و بین میزان آگاهی معلمان و گذراندن دوره های آموزشی رابطه معنی داری وجود دارد. و معلمان با مدارک تحصیلی بالاتر و همچنین آنانی که در دوره های آموزشی کوتاه مدت سنجش و اندازه گیری را گذرانده اند از اطلاعات و آگاهی بیشتری برخوردارند. و در زمینه روایی سوالهای آزمون معلمان زن ابتدایی که دوره آموزشی گذرانده اند نسبت به معلمان زن ابتدایی که این دوره ها را نگذرانده اند، در دروس علوم و ریاضی اطلاعات بیشتری دارند.

سلیمانی (۱۳۷۵) در پژوهشی دیگر نشان داده که بین کارآیی معلمان فارغ التحصیل مراکز تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی تفاوت معنی داری وجود دارد یعنی معلمان فارغ التحصیل مراکز تربیت معلم در فرایند تعلیم و تربیت اثر بخشی و کارآیی مطلوب تری دارند. و مراکز تربیت معلم نسبت به

نقش برفی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...

سایر موسسات آموزشی عالی در تربیت معلم و ارتقاء صلاحیتها و مهارتهای مورد نیاز معلمان شرایط مناسب تر و کارآمدی بیشتر دارند.

تاجیک (۱۳۸۳) در تحقیقی دریافت که میزان آگاهی معلم از اهداف درس تعلیمات اجتماعی در حد متوسط بوده، اکثریت معلمان اطلاعات و آگاهی کافی از روشهای تدریس نداشته و در رابطه با کاربرد مواد آموزشی اکثر معلمان به کتاب درس بسنده می کنند. همچنین اکثر معلمان با اصول و روشهای علمی ارزشیابی، آشنایی کافی نداشته و در طراحی سوالات امتحانی از نظر دانش و مهارت در سطح بالایی قرار ندارند.

بخشی (۱۳۸۴) در پژوهشی نتایج زیر را به دست آورد: ۷۱/۵ درصد معلمین ابتدایی در زمینه بهداشت محیط از آگاهی ضعیف و ۲۸/۵ درصد آنها از آگاهی متوسط برخوردار بودند در حالی که هیچکدام از آنها از آگاهی مطلوب برخوردار نبودند. همچنین ۱۹ درصد معلمین ابتدایی در زمینه بهداشت دانش آموزان از آگاهی ضعیف و ۲/۸ درصد از آگاهی مطلوب برخوردار بودند و اکثر معلمین از آگاهی متوسط در این زمینه برخوردار بودند ۲۲ درصد معلمین نیز در زمینه بهداشت روان دارای آگاهی ضعیف بودند و ۶۱ درصد آنها از آگاهی متوسط و ۱۷ درصد آنها آگاهی مطلوبی در این زمینه داشتند. در این مطالعه ارتباط بین مدرک تحصیلی و میزان آگاهی نیز تحت بررسی قرار گرفت که هیچگونه ارتباط معنی داری بین آنها یافت نشد.

هانگ (۱۹۹۶) در پژوهشی با مطالعه توانمندیها و محدودیتها ی معلمان برای مشارکت در برنامه ریزی درسی مدارس ابتدایی کره، کارآمدی برنامه درسی را منوط به مشارکت افراد و گروههای متخصص و آگاهی معلمان مدارس ابتدایی از مسائل و مفاهیم تعلیم و تربیت به عنوان مشارکت کنندگان در فرایند برنامه دسی در زمینه برنامه ریزی درسی تأکید کرده است.



دمساز (۱۳۸۰) در پژوهشی دیگر که به منظور بررسی میزان آگاهی و نگرش معلمان مدارس ابتدایی شهر قزوین انجام داده است میزان آگاهی و نگرش معلمان را در ارتباط با روش‌های پیشگیری از پوسیدگی دندان و عملکرد معلمان بهداشت و منابع اطلاعاتی مورد استفاده در زمینه بهداشت دهان و دندان را مورد ارزیابی قرار داده است و مشخص گردید که از میان متغیرهای در نظر گرفته شده در این مطالعه، میان معلمان زن و مرد تفاوت معنی‌دار آماری مشاهده می‌شود. ( $P < 0.05$ ) و معلمان خانم آگاهی و نگرش مثبت تری نسبت به مسئله بهداشت دهان دندان از خود نشان دادند. بعد از امتیازدهی به روشهای پیشگیری از پوسیدگی به منظور تعیین میزان تاثیر این روش‌ها، معلمان شرکت کننده در طرح مسواک زدن با خمیر دندان حاوی فلوراید، مراجعه منظم به دندانپزشک و کاهش مصرف مواد قندی را از روشهای موثر در پیشگیری دانسته ولی نسبت به تاثیر روشهای پیشگیری قرصهای فلوراید و فیشور سلینت اطلاع چندانی نداشتند و ۵۱ درصد از معلمان از تاثیر فیشور سلینت اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. در ارتباط با آگاهی از نقش فلوراید نیز حدود ۸۰ درصد معلمان از نقش فلوراید در مقاوم ساختن مینای دندان و نقش ضد باکتری فلوراید مطلع بودند ولی اکثر آنها نقش فلوراید را در ترمیم پوسیدگی‌های اولیه موثر ندانسته و یا اطلاعی در این رابطه نداشتند. طبق نظر اکثر معلمان بهداشت، آموزش بهداشت و معرفی مواد پوسیدگی زا و نظارت هفتگی بر استفاده از دهانشویه فلوراید در مدارس انجام می‌شود ولی نظارت روزانه بر بهداشت دهان و ارجاع منظم دانش آموزان به دندانپزشک در مدارس کمتر انجام می‌گیرد. ۹۰ درصد معلمان دوست و فامیل را به عنوان منبع اول و دندانپزشک (۲۸ درصد) و رادیو و تلویزیون (۱۳ درصد) را به عنوان منابع آخر اطلاعاتی ذکر کرده‌اند. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که معلمان شناخت نسبی از روش‌های رایج پیشگیری از پوسیدگی

نقش برفی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...

دارند ولی نسبت به نقش فلوراید و فیشور سیلنت آگاهی کمتری دارند و نیازمند آموزش مفید و موثر جهت به دست آوردن آگاهی لازم و کافی در این زمینه هستند. و اکثر معلمان خواستار اجرای برنامه‌های آموزش بهداشت در مدارس به ویژه بهداشت دهان و دندان بوده اندنگرش مثبتی هم نسبت به امر آموزش صحیح خود و انتقال این آموزش‌ها به دانش‌آموزان نشان داده‌اند. معلمان بهداشت نیز در مقایسه با سایر معلمان از سطح آگاهی بالاتری برخوردار نبودند و شناخت آنها نیز تقریباً در حد سایر معلمان مدارس بود.

با توجه به مطالب یاد شده، این پژوهش با هدف بررسی میزان آگاهی معلمان مقطع ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت در استان کردستان به منظور ارائه‌ی الگویی مناسب جهت ارتقای سطح آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت می‌باشد. به علاوه وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت بر حسب متغیرهای مانند سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و سابقه تدریس مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور دستیابی به اهداف یاد شده طی اجرای پژوهش، به سؤالیهای زیر پاسخ داده شد.

- میزان آگاهی معلمان مقطع ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت چگونه است؟

- آیا تحصیلات دانشگاهی معلمان مقطع ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت تاثیر دارد؟

- آیا سابقه تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت تاثیر دارد؟

- آیا رشته تحصیلی معلمان مقطع ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت تاثیر دارد؟

## روش:

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است و با توجه به هدف و سؤالهای اساسی مطرح شده در این مطالعه، روش انجام پژوهش زمینه ای بوده که در خلال آن به سنجش تأثیر برخی از ویژگیهای معلمان بر میزان آگاهی از اصول تعلیم و تربیت و تحلیل آن پرداخته شده است.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی مشغول به تدریس در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ می باشد که شامل ۷۲۶۲ نفر که از این تعداد ۴۰۰۸ نفر مرد و ۳۲۵۴ نفر زن می باشد. برای انتخاب تعداد نمونه از جدول تصادفی مورگان استفاده شد بر اساس جدول مورگان برای جامعه ۷۲۶۲ نفر می بایست ۳۷۰ نفر نمونه انتخاب شود و از آنجایی که جامعه ما شامل دو طبقه زن و مرد می باشد و نسبت این طبقات با هم برابر نیست لذا بر اساس همین نسبت (۵۵٪ مرد و ۴۵٪ زن) انتخاب شدند و در نهایت ۲۰۳ نفر معلم مرد و ۱۶۷ نفر معلم زن انتخاب شدند. در این پژوهش نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده از مناطق مختلف استان کردستان انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا ۲ شهرستان در مرکز استان، ۲ شهرستان در شرق و ۲ شهرستان در غرب استان و در هر شهرستان نیز ۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه و سرانجام از میان معلمان این مدارس، افراد نمونه انتخاب و ابزار پژوهشی برای آنان اجرا شد.

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از ابزار پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

فرم پرسشنامه حاوی ۴۰ سؤال محقق ساخته از نوع چهار گزینه‌ای بود که بر اساس مؤلفه‌ها و مباحث مربوط به اصول تعلیم و تربیت تدوین گردید که روایی صوری و محتوایی آن را اساتید محترم راهنما و مشاور و اساتید دانشگاه تأیید کردند. پایایی آزمون با محاسبه ضریب آلفای کرانباخ، ۸۰٪ به

نقش برخی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ... دست آمد که برای تمام افراد نمونه به اجرا در آمد و پس از اجرا جمع‌آوری گردید.

به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از دو شیوه آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. در تحلیل توصیفی با استفاده از جدول‌های توزیع فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و دراستنباطی از آزمون تحلیل واریانس، آزمون t و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و به وسیله نرم افزار spss داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند.

### یافته‌ها:

سؤال اول پژوهش: میزان آگاهی معلمان مقطع ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت چگونه است؟

جدول شماره (۱) میانگین آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت

میانگین	فراوانی	مولفه‌ها گروه‌ها
۱۱/۹۸	۲۳۰	رشته‌ی مرتبط
۶/۵۴	۱۳۴	رشته غیر مرتبط
۹/۹۷	۳۶۴	کل

همچنان که نتایج جدول شماره (۱) نشان می‌دهد میانگین میزان آگاهی معلمان که رشته تحصیلی آنها مرتبط می‌باشد از میانگین آگاهی معلمان که رشته تحصیلی غیرمرتبط می‌باشد بیشتر است. اما در کل بر اساس نتایج این جدول، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت در حد پایینی می‌باشد.

سؤال دوم: آیا تحصیلات دانشگاهی معلمان مقطع ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت تاثیر دارد؟

برای بررسی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) استفاده شد نتایج این آزمون در جدول شماره (۲) ارائه شده است .

جدول شماره (۲) تفاوت بین سه گروه در میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت

مولفه ها منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۳۷/۸۳۴	۲	۶۸/۹۲۱	۲/۹۶۶	۰/۰۵
درون گروهی	۸۳۷۹/۰۲۲	۳۶۱	۲۳/۲۱۱		
کل	۸۵۱۶/۸۶۵	۳۶۳			

همچنان که نتایج جدول (۲) نشان می دهد  $f$  بدست آمده ( $f=۲/۹۶۶$ ) از  $f$  جدول بزرگتر است بنابراین فرض صفر ما مبنی بر عدم تفاوت بین سه گروه دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس در میزان آگاهی در اصول تعلیم و تربیت رد می شود ( $\text{sig}=۰/۰۵$ ).

برای مشخص شدن این که تفاوت میان چه گروه‌هایی وجود دارد از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد . نتایج این آزمون در جدول شماره (۳) ارائه شده است .

جدول شماره (۳) تفاوت گروهها در میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت

مولفه ها گروه ها (j) (i)	تفاوت میانگین ها	خطای معیار	سطح معنی دار
دیپلم فوق دیپلم	۱/۱۳۹	۰/۶۱۹	۰/۱۵۸
دیپلم لیسانس	۱/۴۳۹	۰/۶۲۲	۰/۰۵
فوق دیپلم لیسانس	۰/۲۹۹	۰/۶۱۴	۰/۸۷

همچنان که نتایج جدول شماره (۳) نشان می دهد فقط تفاوت بین گروه دیپلم و لیسانس در میزان تفاوت آگاهی از اصول تعلیم و تربیت معنی دار است

نقش برفی از ویژگی های معلمان ابتدایی بر ...

و تفاوت بین گروه دیپلم با فوق دیپلم و فوق دیپلم با لیسانس معنی دار نیست. بدین معنی که معلمان ابتدایی دارای مدرک لیسانس آگاهی بیشتری از اصول تعلیم و تربیت دارند.

سؤال سوم: آیا سابقه تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت تاثیر دارد؟

برای بررسی این سوال از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد نتایج این آزمون در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول شماره (۴) رابطه سابقه با میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت

مؤلفه ها	N	میزان همبستگی	سطح معنی دار
سابقه با اصول تعلیم و تربیت	۳۶۴	۰/۲۰۲	۰/۰۰۰

همچنان که جدول بالا نشان می دهد بین میزان سابقه کاری و نمره آگاهی از اصول تعلیم و تربیت همبستگی مثبت وجود دارد. ( $\text{sig}=0/05$ ) به این معنی که با افزایش سابقه کاری بر میزان نمره آگاهی از اصول تعلیم و تربیت افزوده می شود بنابراین فرضیه صفر ما مبنی بر عدم وجود رابطه بین دو گروه رد می شود.

سؤال چهارم: آیا رشته تحصیلی معلمان مقطع ابتدایی بر میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت تاثیر دارد؟

برای بررسی این فرضیه از آزمون t برای گروه های مستقل استفاده شد نتایج این آزمون در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول شماره (۵) رابطه رشته تحصیلی معلمان با میزان

آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت

مولفه ها گروهها	N	میانگین	تفاوت میانگین ها	t	درجه آزادی df	سطح معنی دار
رشته مرتبط	۲۳۰	۱۱/۹۸	۵/۴۳۷	۱۲/۲۷	۳۶۲	۰/۰۰۰
رشته غیر مرتبط	۱۳۴	۶/۵۴				

همچنان که نتایج جدول شماره (۵) نشان می دهد t بدست آمده از  $t=12/27$  از جدول بزرگتر است بنابراین فرضیه صفر ما مبنی بر عدم تفاوت بین گروه معلمان مرتبط و غیر مرتبط در میزان آگاهی از اصول تعلیم و تربیت رد می شود. ( $sig=0/000$ ).

بدین معنا که معلمان دارای مدارک تحصیلی مرتبط با آموزش ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت آگاهی بیشتری دارند.

### بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش، به طور کلی میزان آگاهی معلمان ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت در سطح مطلوبی قرار ندارد. این نتیجه با پژوهش‌های شریعتمداری (۱۳۳۸)، عباس زاده (۱۳۷۹)، پوربھی (۱۳۷۳)، سلیمانیان (۱۳۷۶)، نجاری اصفهانی (۱۳۷۹)، تاجیک (۱۳۸۳)، دایی زاده (۱۳۷۶)، بخشی (۱۳۸۴) هماهنگ است. بر اساس این پژوهش‌ها اکثر معلمان به طور کلی از دانش و اطلاعات اساسی برای تدریس و آموزش در دوره ابتدایی برخوردار نیستند.

از جمله علل عدم آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت می‌توان به مواردی چون: استخدام معلمان ابتدایی بدون توجه به رشته تحصیلی آنها، جذب معلمان ابتدایی بدون توجه به مدرک تحصیلی آنها و کاربردی نبودن دوره‌های ضمن خدمت و بازآموزی معلمان اشاره نمود. در این زمینه آموزش

نقش برفی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...

و پرورش نظر به پیشرفت نظر به پیشرفت علوم و نیاز معلمان به دانش بیشتر لازم است بازآموزی جهت توانمندسازی حرفه ای معلمان پیش بینی نماید به گونه‌ای که حداقل هر سال یکبار معلمان اطلاعات جدیدتری به دست آورند و با آخرین یافته‌های تازه علمی و تربیتی در زمینه شغل خودشان مطلع گردند.

با توجه به نتایج آزمون، بین میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت با متغیرهای رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی و سابقه خدمت تفاوت معنادار بوده است به عبارت دیگر آگاهی معلمان با مدرک تحصیلی بالاتر، در رشته‌های علوم تربیتی و سابقه تدریس بالا بیش از سایر معلمان بوده است نتایج حاضر در ارتباط با رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی و سابقه تدریس با یافته‌های پژوهش نجاری اصفهانی (۱۳۷۹)، سلیمانی (۱۳۷۵)، دایی زاده (۱۳۷۶)، بخشی (۱۳۸۴) و حبیبی (۱۳۸۲) را تأیید می‌کند.

نتایج پژوهشهای سمیعی (۱۳۶۵)، قانلی (۱۳۷۳)، سبحانی (۱۳۸۲)، تاجیک (۱۳۸۳) و آبیاری (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که شرکت در دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و کارگاههای آموزشی موجب ارتقای دانش و مهارتهای حرفه‌ای معلمان و مربیان شده است.

لذا تعیین راهبردهای کوتاه مدت و دراز مدت در زمینه تربیت و بازآموزی و توانمندسازی حرفه ای معلمان، بر اساس مطالعات دقیق، نیازسنجی‌ها و برنامه ریزی علمی به منظور ارتقای دانش، صلاحیتها و مهارتهای حرفه‌ای آنان از مسائل اساسی و اجتناب ناپذیری به منظور کارآمد ساختن نظام آموزش و پرورش است.

پیشنهادات عبارتند از: نظر به اهمیت آموزش و غنی سازی نیروی انسانی در آموزش و پرورش و نقش تعیین کننده معلمان در فرایند تعلیم و تربیت و انسان سازی، بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر به منظور ارتقای دانش و مهارتهای معلمان دوره ابتدایی ارائه می‌گردد:



-با توجه به یافته های پژوهش در زمینه میزان آگاهی معلمان از اصول تعلیم و تربیت پیشنهاد می شود در برنامه های آموزش ضمن خدمت، دوره های آموزشی ویژه ای برای آشنایی با اصول تعلیم و تربیت و دیدگاههای تربیتی برای معلمان دوره ابتدایی برگزار گردد.

-با توجه به تفاوت های فردی معلمان در زمینه آگاهی از اصول تعلیم و تربیت و توجه به این امر، پیشنهاد می شود برنامه ریزان آموزش ضمن خدمت معلمان بر اساس مطالعات و نیازسنجی دقیق به برگزاری کارگاه های آموزشی مورد نیاز معلمان در این مورد اقدام نمایند.

-پیشنهاد می شود برنامه های تربیت معلم و دوره های آموزشی ضمن خدمت از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد تا همگام با تحولات مداوم و اهداف متغیر آموزش و پرورش به پیش رود و محتوا و روشهای اجرا به روز باشد.

-پیشنهاد می شود استخدام و پذیرش معلمان ابتدایی با توجه به مدرک تحصیلی و رشته تحصیلی آنها صورت گیرد.  
-در ضوابط پذیرش معلم میزان آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد.

ارائه الگوی عملی جهت ارتقای سطح دانش و مهارتهای معلمان: این الگو شامل ۸ مرحله می باشد که باید به طور منظم و گام به گام به اجرا درآید. در مرحله اول سطح آگاهی معلمان مورد بررسی قرار می گیرد تا مشخص شود که معلمان تا چه میزان از اصول تعلیم و تربیت یا دانشهای ضروری آگاهی دارند اگر این مرحله به خوبی اجرا شود می توانیم نیاز معلمان و نقاط ضعف و قوت آنها را به خوبی بشناسیم. زیرا تنها با شناخت دقیق نیازهای آموزشی، محورهای اساسی برنامه آموزش ضمن خدمت مشخص می گردد (شارما، ۲۰۰۱) شناسایی سطح آگاهی معلمان و همچنین آگاهی از ویژگیهای شخصی

نقش برفی از ویژگی های معلمان ابتدایی بر ...

آنها مانند سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، سابقه تدریس و..... می تواند به ما در تعیین هرچه بهتر و دقیقتر نیازها و اهداف کمک کند.

در مرحله دوم اهداف تعیین می شود در این مرحله "ارتقای سطح آگاهی معلمان در زمینه اصول تعلیم و تربیت" به عنوان هدف مد نظر قرار می گیرد. تعیین هدف به طور کامل بر اساس مرحله اول صورت می گیرد.

در مرحله سوم بر اساس هدف، بهترین و مناسبترین روش را جهت ارتقای سطح آگاهی معلمان انتخاب می کنیم در این مرحله برای رسیدن به هدف می توان از روشهای متعددی استفاده کرد از جمله فراهم آوردن شرایط مناسب جهت ادامه تحصیل معلمان، ایجاد انگیزه برای مطالعه در زمینه تخصصی، تشکیل کارگاههای آموزشی به صورت منظم و ایجاد انگیزه برای شرکت در این کارگاهها و... این روشها باید به صرفه ترین، مناسبترین روشها باشد.

در مرحله چهارم تمامی تجهیزات، امکانات، محتوا و عوامل انسانی متخصص را جهت ارتقای سطح آگاهی معلمان تهیه و تدارک می بینیم که می توان به همکاری با اساتید دانشگاه که در زمینه تعلیم و تربیت تخصص دارند و همچنین تهیه کتابها، مجلات، مقالات در این زمینه اشاره کرد.

در مرحله پنجم طرح را بر روی نمونه کوچکی از معلمان اجرا می کنیم به بیان دیگر طرح به صورت آزمایشی اجرا می شود و باید به این نکته مهم توجه شود که نمونه ی معلمانی که طرح به صورت آزمایشی در مورد آنها اجرا می شود باید معرف جامعه ی واقعی باشد.

مرحله ششم ارزیابی اولیه طرح است در این مرحله باید به بررسی نقاط ضعف و قوت طرح پرداخت. در این مرحله سؤالاتی مطرح می شود:

- آیا میزان آگاهی معلمان به خوبی مورد بررسی قرار گرفته شد؟

- آیا اهداف به خوبی و به طور منطقی تعیین شده اند؟

-آیا روشی که جهت رسیدن به هدف انتخاب شده مناسب است؟

-آیا نتایج اجرای آزمایشی قابل تعمیم به کل جامعه معلمان است؟

در صورتی که پاسخ این سؤالات مثبت باشد برنامه ادامه پیدا می‌کند اما

اگر پاسخها منفی باشد برنامه اصلاح می‌شود.

در مرحله هفتم طرح را به طور کامل و در تمام جامعه مورد نظر اجرا

می‌کنیم.

در مرحله هشتم که ارزیابی نهایی می‌باشد تمامی سؤالاتی که در

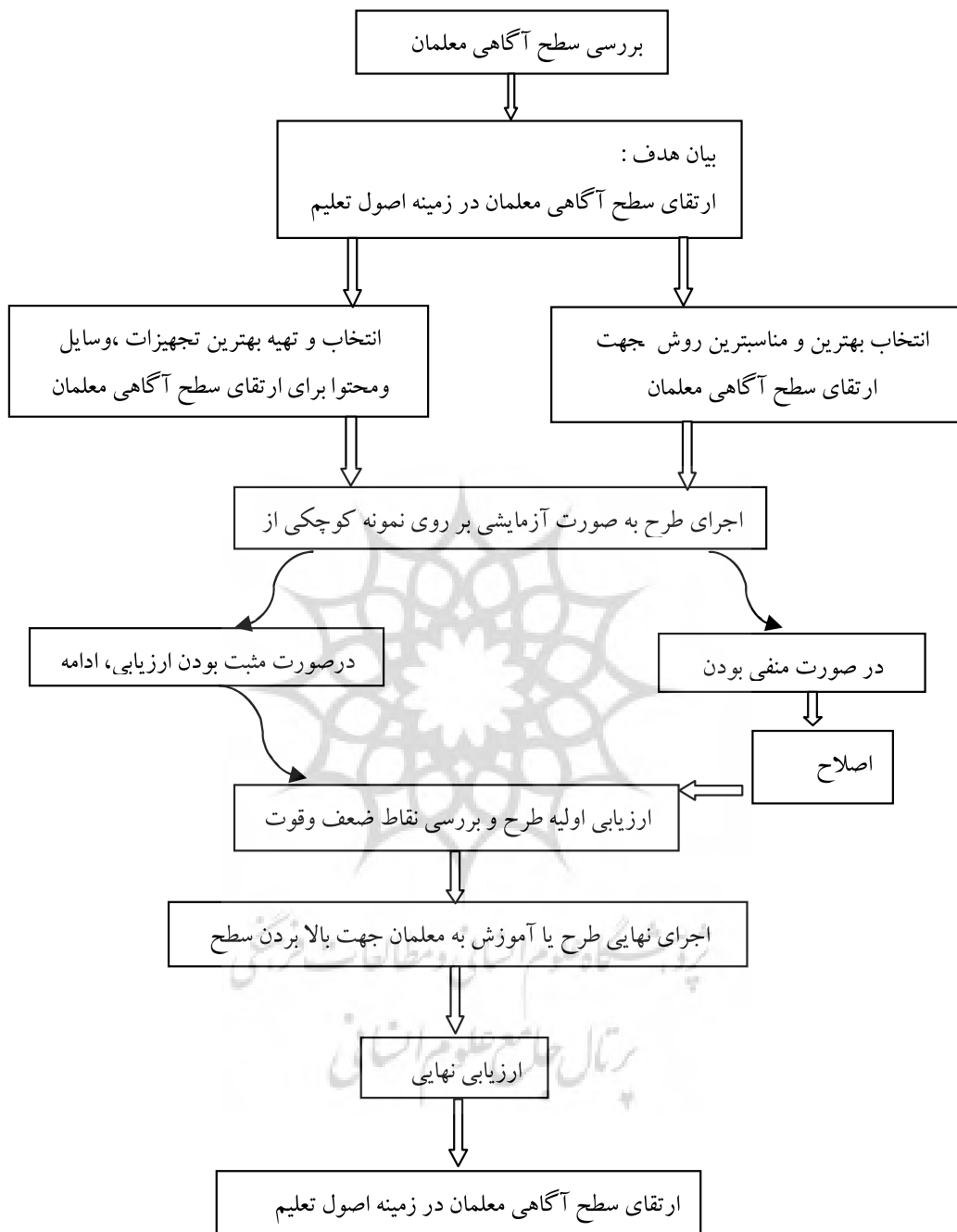
ارزیابی اولیه مطرح شد دوباره مطرح می‌شوند به علاوه سؤالی در مورد

ارزیابی اولیه که آیا ارزیابی اولیه به صورت منطقی انجام شده یا اینکه روش

ارزیابی روش مناسبی بوده است؟



### نمودار الگوی پیشنهادی جهت ارتقای سطح آگاهی معلمان



- بخشی، عبدالله (۱۳۸۴). بررسی میزان آگاهی معلمان از بهداشت دانش آموزان و مدارس از معلمان مدارس ابتدایی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زاهدان.
- پوربهی، عبدالله (۱۳۷۳). بررسی میزان آشنایی معلمان پایه چهارم ابتدایی با روشهای تدریس و مفاهیم علمی دروس پایه مربوطه، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- تاجیک، عزیز الله (۱۳۸۳). عملکرد معلمان پایه پنجم ابتدایی با توجه به میزان آگاهی آنان از اهداف ها روش تدریس، مهارتهای تدریس، کاربرد مواد آموزشی، روش ارزشیابی و کیفیت سؤالیهای امتحانی در درس تعلیمات اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- دایی زاده، حسین جان (۱۳۸۶). بررسی میزان آشنایی معلمان دوره متوسطه با مبانی برنامه ریزی درس و اصول یادگیری به منظور ارائه الگوی مطلوب جهت ارتقاء دانش و مهارتهای آنان در استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- دمساز، راحله (۱۳۸۰). بررسی میزان آگاهی و نگرش معلمان مدارس ابتدایی شهر قزوین، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- سلیمانی، محمد (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه میزان کارآیی معلمان فارغ التحصیل مراکز تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سلیمانیان، منوچهر (۱۳۷۶). بررسی درک معلمان و مدیران واحدهای آموزشی ابتدایی سراسر کشور از اهداف دوره مربوطه، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

نقش برخی از ویژگی‌های معلمان ابتدایی بر ...

- شریعتمداری، علی (۱۳۳۸). بررسی آمادگی تربیت معلمان مدارس ابتدایی ایران. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۶). اصول تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۵). مهارتهای آموزشی و پرورشی. تهران: انتشارات سمت.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۱). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عباس زاده، قهرمان (۱۳۷۱). بررسی میزان آشنایی و کاربرد مواد آموزشی در آموزش، پایا نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- مهدیان، محمد جعفر (۱۳۸۵). مبانی و اصول تعلیم و تربیت. تهران: نشر ساوالان.
- نجاری اصفهانی، مهری (۱۳۷۹). بررسی میزان اطلاعات تخصصی معلمان دوره راهنمایی در زمینه طرح و تهیه سوالات امتحانی و مهارتهای ارزشیابی در استان اصفهان. پایان نامه کارشناس ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Hong .H.J.(1996). possibilities and limitations of teacher participation curriculum development. The case of the Korean primary school, unpublished doctoral dissertation.
- Sharma C.R. (2001). total quality management in education, Indiana Gandhi national open university, India.
- Hutchins, Robert. Maynard.(2002).education and education goal, education, summer.vol 120, issue4.
- Carin, Fiona.(2003).alternative approach of education .newyork